

ویرایش از زبان ویراستاران

آنچه نویسندگان باید درباره کار ویراستاران بدانند

به قلم گروهی از ویراستاران امریکایی

گردآوری، پیشگفتار، معرفی و ویرایش: جرال دگراس

گروه مترجمان: رزا افتخاری، مژده دقیقی، مژگان عبدالمهی،

محمی الدین غفرانی، احمد کسائی پور

ویراستار ترجمه فارسی: مژده دقیقی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Editors on editing;
What Writers Need To Know About What Editors Do**
Completely Revised Third Edition,
Edited by Gerald Gross,
Grove Press, New York, 1993.

ویرایش از زبان ویراستاران: آنچه نویسندگان باید درباره کار ویراستاران بدانند
به قلم گروهی از ویراستاران آمریکایی: گردآورنده و ویراستار جerald گراس؛ گروه مترجمان
مشخصات نشر: تهران، کتاب مهناز، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۵۵۶ ص.

شابک: 978-964-5538-22-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فنی

یادداشت: عنوان اصلی: Editors on editing: What writers need to know about what editors do, 3rd completely rev. ed, 1993.

یادداشت: گروه مترجمان رزا افتخاری، مزده دقیقی، مژگان عبدالحی، محی‌الدین غفرانی، احمد کسلی‌پور.

موضوع: واژه‌نامه - ویراستاری - مقاله‌ها و خطابه‌ها / ویراستاران

شناسه افزوده: گراس، جerald / مترجم افتخاری، رزا - دقیقی، مزده، ۱۳۳۵ - ویراستار

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸۶ و PN۱۶۲

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۵۳۸۶۰



ویرایش از زبان ویراستاران

آنچه نویسندگان باید درباره کار ویراستاران بدانند

به قلم گروهی از ویراستاران آمریکایی

گردآوری، پیشگفتار، معرفی و ویرایش: جerald گراس

مترجمان: رزا افتخاری، مزده دقیقی، مژگان عبدالحی، محی‌الدین غفرانی، احمد کسلی‌پور

ویراستار ترجمه فارسی: مزده دقیقی

چاپ اول ۱۳۸۹

شمارگان ۱۱۰۰ نسخه

حروفچینی / درجه کتاب

صفحه‌آرایی / فاطمه خوش‌زحمت

چاپ / گلشن: صحافی / تاجیک

حق چاپ و نشر برای کتاب مهناز محفوظ است.

تهران ۱۹۱۶۸۵۵۷۶۳، خیابان دکتر شریعتی، رویه‌روی خیابان دولت، کوچه سیروس-بن‌یست سیروس، شماره ۲۰ (ساختمان پوریا).

واحد ۲، تلفن و دورنگار ۲۲۰۰۷۶۲۰

نشانی الکترونیک: ketabemahnaz@yahoo.com

شابک: 978-964-5538-22-2 ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۳۸-۲۲-۲

۱۵۰۰۰ تومان

فهرست

- پیشگفتار / عبدالحسین آذرنگ ۱۳
- یادداشت ویراستار ترجمه فارسی / مزده دقیقی ۲۱
- مقدمه: تأملاتی بر یک عمر ویرایش / جرالد گراس / رزا افتخاری ۲۹

مقاله‌های نظری

- ویراستار کیست؟ / آلن دی. ویلیامز / محی‌الدین غفرانی ۳۹
- سیر تحول ویرایش در امریکا / مارک آرنسون / محی‌الدین غفرانی ۴۹
- نامه سرگشاده به ویراستاران آینده / ام. لینکلن شوستر / احمد کسایی‌پور ۶۵
- آیا وجود ویراستار ضرورت دارد؟ / ریچارد کرتیس / رزا افتخاری ۷۱
- صرف ناهار با کارگزاری محبوب / جان اف. تورنتون / محی‌الدین غفرانی ۸۳
- فروپاشیدن ایمان، داستانی در دشواری‌های چاپ و نشر ۸۷
- مکسول گرکین / احمد کسایی‌پور ۸۷
- آقای پرکینز دیگر نیست، وضعیت کنونی نشر / جرالد هوارد / محی‌الدین غفرانی ۱۰۵
- خوب کار کردن و درست کار کردن، ابعاد اخلاقی و وجدانی ویرایش ۱۲۷
- جیمز اوئی وید / مزده دقیقی ۱۲۷
- کتاب‌ها چگونه انتخاب می‌شوند، عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری ویراستار ۱۳۹
- ریچارد مارک / محی‌الدین غفرانی ۱۳۹

آنچه ویراستاران در نامهٔ پیشنهاد اثر، طرح پیشنهادی و متن می‌جویند

- ۱۵۳ چین وان مِهَرَن / مژگان عبدالمهی
ویراستار و مؤلف در کنفرانس نویسندگان: چرا می‌روند؟ چه می‌کنند؟
- ۱۶۳ مایکل سیدمن / رزا افتخاری
ویراستار در نقش مذاکره‌کننده / مارتا کی. لوبن / احمد کسایی‌پور
- ۱۷۳ ویرایش برای بازار کتاب مسیحیان / جینت هورر توما / مژگان عبدالمهی
- ۱۸۳ ویرایش برای بازار کتاب یهودیان / بانی ری. فیرمن / مژگان عبدالمهی
- ۱۹۳ ویرایش محتوایی، یک همکاری خلاق / پل مک‌کارتی / رزا افتخاری
- ۲۰۷ ویراستار فنی و نویسنده / جیسی دا سیلوا / مژگان عبدالمهی
- ۲۱۷ ویرایش زبانی، از کار درآوردن بهترین کتاب ممکن
ماژن ال. واکسن / احمد کسایی‌پور
- ۲۲۹ ویرایش زبانی، هنر پیشنهادهای معقول / جان کی. پین / مژده دقیقی
- ۲۴۹ نقش دستیار ویراستار / کیسی فیوج / محی‌الدین غفرانی
- ۲۵۵ کار کردن با ویراستار قراردادی یا پزشک کتاب / جerald گراس / محی‌الدین غفرانی
- ۲۶۳ ویرایش داستان‌های جنایی مبتنی بر واقعیت / چارلز اسپایسر / احمد کسایی‌پور
- ۲۷۵ ویرایش داستان جنایی / روت کیوبن / مژده دقیقی
- ۲۸۵ خاطرات و خطرات ویرایش کتاب‌های جلدشمیز بسیار بازار-انبوه
مل پارکر / مژگان عبدالمهی
- ۲۹۹ ویرایش جلدشمیزهای بازار-انبوه در میان‌سالی - میان‌سالی آنها و میان‌سالی من
مارک آلن گومپرتز / مژگان عبدالمهی
- ۳۱۷ ویرایش آثار غیرداستانی، مسئلهٔ 'رعایت مصلحت اجتماعی'
وندی ام. وولف / رزا افتخاری
- ۳۲۳ ویرایش آثار داستانی، مسئلهٔ 'رعایت مصلحت اجتماعی' / مایکل دینتی / مژده دقیقی
- ۳۵۱ سه شیوه در ویرایش آثار محققان برای سه نوع مخاطب / جین ایسای / رزا افتخاری
- ۳۶۱ ویرایش در مؤسسه انتشاراتی کوچک، انتشار کتاب به شیوهٔ قدیم
اسکات واکر / رزا افتخاری
- ۳۷۱ ویرایش داستان از سرِ عشق / فیت سیل / مژده دقیقی
- ۳۸۱

- ویرایش آثار غیرداستانی، تحصیل در چند رشته در دانشگاهی با رشته‌های متعدد
- ۳۹۷ فردریکا اس. فریدمن / مژده دقیقی
- ویرایش رمان‌های علمی-تخیلی و فانتزی، اهمیت استفاده از نام واحد برای همه شخصیت‌ها
- ۴۱۱ جان دلیو، سیلبرسک / احمد کسایی‌پور
- ۴۳۱ ویرایش کتاب کودک / فیلیس چی. نوگلتن / مرگان عبدالحی
- ۴۴۵ ویرایش کتاب‌های مرجع / لیندا هالپرسون مورس / محی‌الدین غفرانی
- ۴۵۹ ویراستار زندگی‌ها / پتر دیویسون / رزا افتخاری
- ویرایش کتاب‌های روان‌شناسی مردم‌پسند و کتاب‌های خوددرمانی
- ۴۷۵ نونی پرتنک / احمد کسایی‌پور
- ۴۸۷ ویرایش رمانس / لیندا مارو / مژده دقیقی
- ۴۹۷ ویرایش داستان مردانه واقع‌گرایز / گرگ توین / مژده دقیقی
- کتاب‌شناسی توصیفی ویرایش و نشر
- ۵۱۱ جین - لوئیس بریندامور و جوزف ام. لوبو / مرگان عبدالحی

پیوست‌ها

- ۵۲۹ واژه‌نامه فارسی - انگلیسی
- ۵۳۳ واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
- ۵۳۷ واژه‌نامه توصیفی
- ۵۴۳ کتاب‌شناسی گزیده و توصیفی ویرایش و نشر در زبان فارسی / احمد خندان

پیشگفتار

ترجمه و انتشار ویرایش از زبان ویراستاران به زبان فارسی، به همت زنانه مؤده دقیقی، و کوشش همکارانش رُزا افتخاری، مژگان عبدالحی، محی‌الدین غفرانی، و احمد کسایی‌پور، اقدامی است تأثیرگذار در عرصه ویرایش در این زبان، عرصه‌ای که اکنون، هم دشواری‌ها، کمبودها، و نیازهای آن را درک می‌کنیم و هم سوویرداشت‌ها و سوءاستفاده‌ها از آن را به چشم می‌بینیم. ویرایش در معنای جدید آن در ایران، اگرچه پژوهشگران پیشینه مستمند آن را تا دوره محمدشاه قاجار (سال‌های حکومت: ۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) ردیابی کرده‌اند^۱ و براساس اسناد نویافته‌ای نیز معلوم شده است که بزرگانی چون محمد قزوینی و محمدعلی فروغی در سال‌های پیش از انقلاب مشروطیت (۱۳۲۴ ق / ۱۲۸۵ ش) برای مؤسسه‌ای انتشاراتی در بخش خصوصی، که به شیوه غربی در ایران تأسیس شده بود، کتاب ویرایش می‌کرده‌اند^۲، بااین‌حال در مقایسه با کشورهای دیگری که سطح فرهنگی آنها با مرتبه فرهنگی ایران تناسبی داشته است، و اقتصاد آنها هم از اقتصاد ایران خیلی جلوتر نبوده است، دیر آغاز شد، به‌کندی بسیار جا گرفت و از سوی ناشران کتاب و خریداران و خوانندگان با درنگ پذیرفته شد (البته همین‌جا لازم است افزوده شود که ویرایش زبانی در روزنامه‌ها و مجله‌ها از جهاتی از سرنوشت ویرایش کتاب در ایران جداست و نیازمند پژوهشی دیگر و از آن خود). علت این تأخیر و کندی چه می‌تواند باشد؟ این پرسشی نیست که با اطلاعات ناقص و غیرپژوهشی موجود بتوان با دقت به آن پاسخ گفت. فقر پژوهشی در گستره نشر و ارکان، اجزا و ثمرات آن، پرسش‌های بسیاری را بی‌پاسخ گذاشته است. به مدد حدس و گمان و همخوانی نسبی با موارد مشابه، شاید بتوان این فرض کلی را به میان کشید که توسعه نشر تابع رشد کتاب‌خوانی است، کتاب‌خوانی خود تابع نیازها و ضرورت‌های دیگری است که اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی، و اجتماعی بر آن اثر مستقیم

می‌گذارد، و همین نیازها و ضرورت‌ها از نوسان اوضاع و احوال به سرعت تأثیر می‌پذیرد. این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در همه کشورها دیده می‌شود، اما شدت آن در جامعه‌هایی که نهادهای مدنی و قانونی استواری ندارند و حکومت‌های خودکامه و سلطه‌جو می‌توانند از محدوده سیاسی فراتر بروند و بر قلمروهای دیگری چنگ بیندازند به مراتب بیشتر است. بررسی کمی انتشار کتاب در ایران، از نخستین کتاب‌های چاپ‌شده به فارسی در دوره عباس میرزا (حدود دهه ۱۲۴۰ ق) تا پایان حکومت قاجارها، و سپس در دوره حکومت دو پهلوی و با توجه به تحولات سیاسی و تغییر سیاست‌های فرهنگی، رابطه کمی میان شمار کتاب‌های منتشرشده را با تغییر اوضاع و احوال به طرز گویایی نشان می‌دهد. از تغییر محتوا و رابطه آن با اوضاع و احوال حرفی نمی‌زنم که خود حدیثی است بس مفصل و محتاج پژوهش‌ها و بررسی‌های بی‌شمار.

ویرایش کتاب در بستر نشر کتاب روی می‌دهد. اقتصاد ویرایش تابع اقتصاد نشر است، و اقتصاد نشر از دیگر شاخه‌های اقتصاد هر جامعه‌ای جدا نیست؛ با این تأکید که محصول نشر، کالای فرهنگی است و همه کالاهای فرهنگی کم‌ویش از نوسان‌های ناهنجار سیاسی-اجتماعی زودتر و سریع‌تر از دیگر کالاها آسیب می‌بینند. نشر کتاب اگر آماج هجوم‌های پیاپی سلطه‌جویی‌ها نبود، اگر در پناه حمایت قانون قرار می‌گرفت و اگر از تعدی‌ها مصون می‌ماند، حتی اگر حمایت مالی هم نمی‌شد، به رشد تدریجی و آرام خود ادامه می‌داد و مانند نشر همه جامعه‌های بهنجار، ساقه‌هایش را اندک‌اندک تنومند می‌کرد و شاخه‌هایش را می‌گسترده و ویرایش را هم با خود می‌رویاند و بر سر کتاب‌خوانان سایه می‌افکند.

* * *

کتابی که به سعی فراوان چند مترجم کتاب‌دوست در دست شماس، محصول جامعه‌ای است با اقتصاد نیرومند و اقتصاد نشر شکوفا که ویرایش در بستر اقتصاد خود با آهنگی شتابان و صعودی رو به رشد گذاشته است و در نتیجه شمار بسیاری از بهترین ویراستاران جهان را پرورانیده است. این رشد مداوم و فزاینده بدون پیشرفت‌های مفهومی و ایجاد و تقویت مبانی نظری امکان‌پذیر نبود. تناسب میان غنای مفهومی و رشد کمی، تناسب اجزای اقتصاد فرهنگی روبه رشد است. پیداست که دستاوردهای چنین اقتصادی را به هر نشر و ویرایشی در هر جامعه‌ای نمی‌توان تعمیم داد، اما غنای مفهومی و رهاوردهای نظری ویرایش، مانند هر ارمغان فکری دیگری، و سوای جامعه زادگاه و پروردگاه آن، جزو میراث فکری-فرهنگی بشر است که اهل نظر و عمل از آن همان‌سان بهره می‌برند که از میراث‌های دیگر در قلمروهای دیگر. سازگاری دادن جنبه‌های نظری و عملی هر فعالیتی در سایر جامعه‌ها با نیازهای خود، به کوشش کسانی بستگی دارد که به تجربه‌های دیگران به چه قصدی،

خطاب به کدام مخاطب، و برای چه کاربردی توجه دارند و در رویکردهایشان تا چه اندازه جدّ و جهد می‌کنند. تجربه کشورهای که در همین عصر ما دوره انتقال از توسعه نیافتگی به مرحله توسعه را از سر گذرانده‌اند، کشورهایی همچون کره جنوبی، مالزی، برزیل، سنگاپور و در سال‌های اخیر ترکیه، نشان می‌دهد که اقتصاد نشرشان چگونه پایه پای اقتصاد و صنعت فرهنگی و سایر اقتصادها و صنعت‌هایشان متحول شده است. این کشورها مبانی نظری و شیوه‌های عملی ویرایش را چگونه اخذ کردند و متناسب با اقتصاد نشر خود بسط دادند؟ پاسخ‌گویی به این پرسش و دقت‌ورزی در آنها به توسعه ویرایش ما کمک خواهد کرد. الگوی نشر هیچ کشوری قابل تقلید محض نیست، اما تجربه نشر هر کشوری، ولو ناموفق، الهام‌بخش است.

در اوضاع و احوال کنونی نشر ما که زیرساخت‌های اصلی آن: مواد خام، دانش فنی، آموزش و پژوهش، قوانین و مقررات، سازوکارهای حقوقی و رسمی حمایت‌های مالی-اقتصادی، خدمات بانکی، تبلیغ و اطلاع‌رسانی، شبکه سراسری پخش‌گری (توزیع) کتاب، تضمین قانونی حقوق پدیدآورندگان، اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی شاخه‌های اصلی نشر و برخی زیرساخت‌های دیگر، که شرط لازم برای ایجاد و تداوم صنعت و اقتصادی مستقل است، تحکیم و تقویت نشده است، ویرایش نمی‌تواند در جایگاهی قرار بگیرد که تجربه‌های جامعه‌های دیگر را جذب کند و بنابه مقتضیات خود، که زیرساخت‌ها توان آنها را تعیین می‌کند، از تجربه‌ها بهره‌مند شود، یا سازگار با نیازهای خود در آنها جرح و تعدیل راه دهد. و تا نشر از زیرساخت‌های برخوردار نشود و اقتصاد طبیعی آن شکل نگیرد و به راه نیفتد، نمی‌توان شاخه‌های نشر را در مسیر پیشرفت طبیعی یا لازم آن قرار داد. دام‌چاله‌هایی که شاخه‌هایی از نشر ما به آنها گرفتار شده است، ناشی از چرخه بسته‌ای است که همچون دور باطل، حاصل چرخش آن تکرار است. جریان آزادی که بتواند اندیشه بزیاند، عاطفه بیوراند، به خیال بال‌وپر دهد و مسیرهای اصالت و نوآوری را سپری کند، به اقتصاد شکوفایی نیاز دارد که از قدرت تأمین هزینه‌های کار و زندگی شمار درخوری از استعداد‌های توانا برخوردار باشد. نه تنها نشر ما، که نشر هیچ کشوری را در جهان، با نشر سودآور، فرا-مرزی و حتی جهانی امریکا و چند کشور دیگر نمی‌توان مقایسه کرد. آشکار است که الگوی نشر امریکا را در هیچ یک از کشورهای در حال توسعه نمی‌توان و نباید سرمشق قرار داد. نشر در کشورهای در حال توسعه، اگر دخل و خرج کند، اگر بند از پایش برداشته شود که بتواند با سرعت طبیعی خودش گام بردارد، اگر بتواند به نیازهای جامعه خودش پاسخ بگوید، نشری است مفتخر که ویرایش هم در آن به تناسب نمو می‌کند. به‌رغم این، به هیچ‌روی نمی‌توان آرمان نشر را از آن گرفت. سرشت نشر چنان است که آرمان‌خواهی هر جامعه‌ای، به‌ویژه از جنبه‌های فرهنگی، به سراغ آن می‌رود. آینده‌گرایی و فردانگری، خصلتی است

سرشته در نهاد نشر. اگر نشر، بزرگ‌تر از دهانش سخن می‌گوید، از سبک‌مایگی نیست، از آرزواندیشی است. آنها که نشر را از این بابت سرزنش می‌کنند، طبیعت آن را درست نمی‌شناسند. بادبَرک‌بازها می‌دانند که از رشته‌های واقعیت چه‌سان باید خرج کرد تا پرواز آزادانه‌ای از آرزوها را دید. اما باید به سر رشته بازگردیم و به خاکی که اکنون بر آن ایستاده‌ایم.

* * *

ویرایش از زبان ویراستاران به چه کار فارسی‌زبانان می‌آید؟ ویرایش گرفتار در بند نشری که نمی‌تواند بند از پای خود برگردد، از تجربه ویراستارانی که نشری سودآور و شکوفا به آنها بال‌وپر پرواز داده است، چه بیاموزد و چگونه بیاموزد؟ در پاسخ، به دو نکته که پیش‌تر اشاره شد، بار دیگر اشاره می‌کنم: آرزواندیشی در سرشت نشر است؛ فرداینی جزو طبیعت آن است. از این جنبه کلی که بگذریم، شمار کسانی که امکانات جامعه ایران را می‌شناسند و به توان بالقوه آن آگاهی دارند، و آنها که درباره دوره‌های افت‌وخیز کتاب و تقارن آنها با اوضاع و احوال حتی اندکی تأمل کرده‌اند، خوب می‌دانند که این نشر چه استعدادهایی برای گسترش دارد. و چنانچه اقتصاد عمومی نکانی بخورد و در سبد خرید خانوارها جایی هم برای کالای کتاب باز شود، از آن گسترش می‌توان واقع‌بینانه‌تر سخن گفت. آنچه به ما یاری می‌رساند جایگاه قلمرویی را که درباره آن بحث می‌کنیم درست تعیین کنیم، شناخت درست است. آگاهی به وضعیت ویرایش در جامعه ما همان‌گونه که هست و با همه جنبه‌های مثبت و منفی‌اش، سیر تحول آن، پیوندهایش با نشر، توان بالقوه‌اش برای توسعه آتی، و مقایسه‌های لازم به ما کمک می‌کند به تجربه‌ها در پرتو دیگری بنگریم.

در جامعه ما به چه کسی ویراستار می‌گویند؟ کسی که نام او به عنوان ویراستار در کتابی آمده است؟ اگر این‌طور باشد، صدها صد تن که در دوره رونق نسبی در نشر چند سال پیش نام‌شان بر کتاب‌هایی آمده است که شتاب‌آلود ساخته و پرداخته شده‌اند، ویراستارند. آیا ویراستار کسی است که ناشری او را به این عنوان استخدام کرده است، به این عنوان به او سفارش می‌دهد و دستمزد می‌پردازد؟ اگر چنین باشد، ناشران مرجع ذی‌حقی می‌شوند که بر همه عنصرهای مولد کتاب در سه زمینه عمده تولید محتوایی، تولید فنی-هنری، و تولید انتشاراتی نام بگذارند. ناشر به چه کسی می‌گویند؟ آیا به هر کسی که به هر علتی صاحب این حق شده باشد که نام خود را به عنوان ناشر بر کتابی بگذارد، بی‌آنکه معلوم باشد حرفه ناشری - نمی‌گوییم علم، فن، صنعت، و هنر ناشری - را کجا آموخته است؟ آیا گذراندن دوره‌های آموزشی کوتاه یا بلندمدت و گواهی دوره می‌تواند از کسی ناشر یا ویراستار بسازد؟ از دانش‌آموختگان بسیاری در رشته‌های مختلف می‌توان گواه آورد که نه مدرک، نه عنوان و نه هرگونه مدعای دیگری توانسته است تسلط یا تخصصی را ازدیدگاه جامعه در

آنها محرز ساخته باشد. این پرسش‌ها یا به تسلسل، یا به دورگرفتار می‌شود و در عمل پاسخی از آنها عاید نمی‌شود. در برخی جامعه‌ها بر عضویت رسمی در اتحادیه یا صنف ویراستاران تأکید کردند و بنابه هنجار رایج درباره عضویت رسمی، شرط را به احراز تسلط نامزد عضویت به فنون ویرایش موکول ساختند. پیروی از این هنجار به بلبشوهایی نظیر خودسری‌ها و بی‌قاعدگی ویرایش در جامعه ما شاید به میزان بسیاری پایان بدهد، اما پیامدهای ناخواسته دیگری هم دارد، و اگر حساب‌شده عمل نشود، درد دیگری بر دردهای مزمن می‌افزاید.

تجربه ویرایش در نشر پیشرفته نشان می‌دهد که تکوین و تکامل آن از آموزش‌های رو به پیشرفت جدا نیست، اما حقیقت آنکه سرشت ویرایش از سرشت نویسندگی، به‌ویژه نویسندگی آفرینش‌گرانه، جدایی ندارد. پیشرفته‌ترین آموزش‌های دانشگاهی به پرورش استعدادهای نویسندگی کمک می‌کند، اما نتیجه نهایی را که در نظر بگیریم، معلوم می‌شود که دانشگاه نویسنده نمی‌پروراند، و در کارنامه موفقیت نویسندگان در ارزشیابی فرجامین جامعه و در رقابت آزادانه ارزش‌ها و دستاوردها، آموزش‌های رسمی بیشترین سهم را ندارد؛ گرچه به تأکید باید گفت که این سخن به معنای نفی ارزش‌های آموزش رسمی نیست. آموزش‌های رسمی چنانچه درست به کار گرفته شود، به تجربه‌اندوژی‌هایی کمک می‌کند که اصیل‌ترین آنها بنیاد آفرینش‌گری، یا مبنای یافتن راه و روش‌های بدیع، و از عامل‌های اصلی آوازه‌ای است که نویسندگان معتبر کسب می‌کنند. نام مگس پرکینز بارها در این کتاب آمده است، نمادی از ویراستار بزرگ و موفق، ویراستار آثاری آفرینشی، همکار نویسندگانی بنام. کدام نهاد آموزش رسمی می‌تواند ادعا کند که پرکینز را به‌عنوان ویراستار پرورنده است؟ او تحلیل‌گر، منتقد، ارزیاب و نویسنده‌ای است که خود نویسندگی نمی‌کند، اما به نویسندگان مدد می‌رساند تا آنچه می‌خواهند بنویسند، بهتر بنویسند، مؤثرتر بنویسند، مقصود خود را رساتر بیان کنند. او جنبه‌ای را در خواننده و در خواندن تشخیص می‌دهد که پیام نویسنده را بر پایه آن برای انتقال مناسب‌تر می‌سازد. توان آفرینش‌گرانه نویسنده با این یاری افزایش می‌یابد، هرچند خوب است به یاد داشته باشیم که ویرایش آفرینش‌گرانه به یک گونه خاص ویرایش محدود نیست. مطلبی را که در صفحه ۴۶۶ و صفحات بعد این کتاب به قلم پتر دیویسون با عنوان “ویراستار زندگی‌ها” می‌خوانید، یکی از آموزنده‌ترین نوشته‌ها درباره کوشش سترگ و آفرینش‌گرانه ویراستار در ویرایش چندوجهی آثار زندگی‌نامه‌ای است. سال‌ها پس از خودکشی خانم سیلویا پلث (۱۹۳۲-۱۹۶۳)، شاعر نامدار آمریکایی و نویسنده، که حتماً خوانندگان از راه ترجمه‌هایی از آثار او و نیز درباره او با این هنرمند همچنان بحث‌انگیز آشنا هستند^۳، وارثان خانم پلث از ویراستار کارکشته‌ای خواستند زندگی‌نامه آماده‌شده او را ویرایش کند. ویراستار ناگزیر بود چندین جنبه غامض و توقعات

متعارض را در نظر بگیرد و متن زندگی‌نامه سیلویا پلت را بازنگاری کند و روایتی به دست دهد که همه ملاحظات در آن مراعات شده باشد. ویرایش ظریف این ویراستار آفرینش‌گر دو سال زمان برد تا حاصل کار، یکی از خواندنی‌ترین و ماندگارترین زندگی‌نامه‌های سیلویا پلت، شاعر پرطرفدار، از کار درآمد.

ویرایش آفرینش‌گرانه، که گونه‌هایی از آن به قلم ویراستاران روش‌دان و باتجربه در این کتاب وصف شده است، مانند ویرایش داستان‌های جنایی - پلیسی، ویرایش کتاب‌های خاطرات، ویرایش آثار بازارپسند، آثار غیرداستانی، نوشته‌های پژوهشی، منابع دانشگاهی و مرجع، کتاب‌های کودکان، و گونه‌های دیگر، ویرایش در مؤسسه‌های کوچک، متوسط و بزرگ انتشاراتی و بررسی تفاوت‌های آنها، بحث بسیار روشن‌گرانه‌ای است که به دور شدن برداشت‌های تنگ‌دامنه و کوتاه‌بینانه از ویرایش کمک می‌کند. در اوضاع و احوالی که شمار بسیاری از ناشران به تصوری نادرست دامن می‌زنند و ویرایش را به تصحیح‌های املایی و انشایی، اصلاح و تغییر رسم‌الخط و اعمال نشانه‌گذاری و جنبه‌هایی از ظواهر ویرایش صوری منحصر می‌سازند، در شرایطی که خیل عظیمی به راه این خیال واهی می‌روند که مواد درسی کنونی رشته ادبیات فارسی می‌تواند قلمرو پهناور ویرایش را در بحث‌های خود جای دهد، و درحالی که این ظن نابجا را به حد شیاع رسانده‌اند که آموختگان این رشته، بدون تسلط به موازین علمی، فنی، صنعتی و هنری نشر، و بدون آگاهی به جنبه‌های تولید، کاربرد، و مخاطب‌شناسی آثار، می‌توانند وظایف ویراستاری را انجام دهند، کتابی از این دست با نگرش‌های فراخ‌بینانه و نشان دادن لایه‌ها و رویه‌های چندگانه ویرایش می‌تواند به رها شدن تصورات از بند برداشت‌های کلیشه‌ای و به دور از واقعیت‌های گستره نشر در حال توسعه در این زمان کمک کند.

* * *

ویرایش از زبان ویراستاران، حاوی ۳۸ مقاله به قلم ۳۸ ویراستار باتجربه، در ۲ بخش نظری و عملی نوشته شده است. بخش نظری از ۹ مقاله و بخش عملی از ۲۹ مقاله تشکیل یافته است. جرالند گراس، از باتجربه‌ترین ویراستاران، که اصل کتاب گردآورده و ویراسته اوست، ویرایش را از ۱۶ سالگی آغاز کرده و هنگام گردآوری و ویرایش این اثر، در عرصه عملی ویرایش بیش از ۴۰ سال تجربه اندوخته داشته است. ویرایش از زبان ویراستاران تنها خطاب به ویراستاران نوشته نشده است، مخاطب آن، ناشران، نویسندگان، مترجمان، و نیز سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، سازمان‌دهندگان و آموزش‌گران عرصه نشر و ویرایش هم هستند. تجربه‌ها و رهنمودهای این کتاب، از جامعه‌ای که رقابت بی‌امانی بر آن حاکم است، به‌ویژه برای آن دسته از نویسندگانی سودمند است که می‌خواهند

از میان مانع‌ها و مشکلات برای انتشار آثارشان راهی بیابند. نخست‌اثران در همه جا با دشواری گذرناپذیر انتشار اثر نخستین خود روبه‌رو هستند. در جامعه‌هایی که سود حاصل از فروش کتاب ارقام هنگفتی را تشکیل می‌دهد، و به دلایل بسیاری میان نویسنده و ناشر، انواعی از کارگزاران و میانجیان حایل می‌شوند، این دشواری به‌مراتب افزون‌تر است. توصیه‌های ویراستارانِ کاردیدهٔ این کتاب در این باره که نویسنده از چه راه‌هایی می‌تواند بر کم‌وقتی‌ها و تنگ‌حوصلگی‌ها غلبه کند، گوشی برای شنیدن و راهی برای اثر کردن حرف‌هایش بیابد، در جای خود می‌تواند ارزشمند باشد. نویسندگانی که دوست دارند تصویرهایی از خود را در آینه‌های ویراستاران ببینند، این فرصت اینک در اختیار آنهاست. قطعاً لازم به یادآوری نیست که ویراستارانِ رها از تصوّرات کلیشه‌ای دربارهٔ ویرایش، به شنیدن ماجرای تجربه‌های ویراستاران بزرگ آثار ادبی، آن‌گونه که شایسته است، توجه نشان خواهند داد. بالین حال، ارزش‌های این کتاب در بحث و بررسی‌ها، در آموزش‌ها، و با نقادی کاربردهای آن آشکار خواهد شد. امیدوارم جامعهٔ ما در تلاش خود برای برون‌رفت از تنگناهای نشر و ویرایش، به بازاندیشی بر پایهٔ تجربه‌های ارجمند دیگران مجال بدهد و این کتاب جایگاهی بیابد که به‌حق سزاوار آن باشد.

عبدالحسین آذرنگ

سپیددر (الموت)

مهر ۱۳۸۷

یادداشت‌ها

۱. از جمله، نک: سید فرید قاسمی، *سرگذشت مطبوعات ایران* (تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۰)، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲.
۲. نک: اطلاعات جدید در این مقاله: ایرج افشار، 'نخستین شرکت ملی طبع کتاب'، در *مهدوی نامه* (تهران، هرمس، ۱۳۷۸)، ص ۵۵-۱۰۴.
۳. جز شعرهای پراکنده‌ای که از سیلویا پلت به فارسی ترجمه و در برخی مطبوعات منتشر شده است، داستانی از او دراصل با نام 'حباب شیشه‌ای' (در فارسی: شیشه، ترجمهٔ گلی امامی، تهران، نیل، ۱۳۵۲)؛ روایتی از خاطرات او با عنوان *خاطرات سیلویا پلات*، تدوین [= ویراسته] فرانسیس مک‌کالو، ترجمهٔ مهسا ملک‌مرزبان (تهران، نی، ۱۳۸۲)؛ و شعرهای عاشقانه‌ای برای او، سرودهٔ همسرش تِد هیوز، شاعر نامدار امریکایی، با عنوان *عاشقانه‌هایی برای سیلویا پلات*، ترجمهٔ اسدالله آفرابی؛ سایر محمدی (تهران، نگاه، ۱۳۷۹) انتشار یافته است.